رویش روان شناسی، سال۱۰ ، شماره۷، شماره پیاپی ۶۴، مهر ۱۴۰۰
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),10(7), 2021

تبیین سازگاری دانشجویان با دانشگاه بر مبنای ادراکات والدینی: سازوکار میانجی‌گرایانه انعطاف‌پذیری شناختی

The explanation of students' adjustment to university based on perceptions of parents: mediating mechanism of cognitive flexibility

هادی صمدیه (نویسنده مسئول)

دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

مریم نصری

کارشناس روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

Hadi Samadieh *
PhD in educational psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
hadisamadi6@alumni.ut.ac.ir
Maryam Nasri
B.Sc. in Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran.

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش میانجی انعطاف‌پذیری شناختی در رابطه بین سازگاری با دانشگاه و ادراکات والدینی بود. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه بیرجند در نیمسال دوم تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ تشکیل دادند. از این رو، تعداد ۲۸۶ نفر به روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند و به مقیاس ادراکات والدینی (رابینز، ۱۹۹۴) سیاهه انعطاف‌پذیری شناختی (دنیس و واندروال، ۲۰۱۰) و پرسشنامه سازگاری با دانشگاه (بیکر و سریاک، ۱۹۸۴) پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج نشان داد که ادراکات والدینی به طور غیرمستقیم و با میانجی‌گری انعطاف‌پذیری شناختی بر سازگاری دانشجویان با دانشگاه اثر معنادار دارند (P<۰/۰۱). شاخص‌های برازش کلی مدل نیز نشان داد که مدل مذکور برازش مناسبی دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بهبود سازگاری تحصیلی دانشجویان، مستلزم شیوه‌های فرزندپروری حمایت‌کننده و نیز تقویت انعطاف‌پذیری شناختی است.

واژه‌های کلیدی: سازگاری، ادراکات والدینی، انعطاف‌پذیری شناختی.

Abstract

The aim of this study was to investigate the mediating role of cognitive flexibility in the relationship between adjustment to university and parental perceptions. The research method was descriptive-correlational. The research population included all undergraduate students of the University of Birjand in the second semester of 2019-2020. For this purpose, 286 participants, selected available sampling method, completed the Perceptions of Parents Scale (Robbins, 1994), Cognitive Flexibility Inventory (Dennis & Vander Wal, 2010), and Student Adaptation to College Questionnaire (Baker and Siryk, 1984). The results showed that parental perceptions have an indirect and significant effect on students' adjustment to university through the mediating role of cognitive flexibility (P<0/01). The fit indices confirmed the goodness of fit of the stated model. The results indicate that improving students' academic adjustment requires supportive parenting practices and strengthening cognitive flexibility.

Keywords: *adjustment, perceptions of parents cognitive flexibility.*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : فروردین ۱۴۰۰** **پذیرش: فروردین ۱۴۰۰** **ویرایش نهایی : مهر ۱۴۰۰**

مقدمه

اتمام دوره دبیرستان و ورود به دانشگاه برای دانشجویان به عنوان تجربه‌ای جدید، همراه با برخی تحولات رشدی است که به دلیل ویژگی‌های خاص این برهه زمانی، دوره ظهور بزرگسالی[1] نامیده شده است. در این دوره، دانشجویان هنوز کاملاً مسئولیت‌پذیری‌ها و نقش‌های یک بزرگسال را به عهده نگرفته‌اند و تغییراتی در فرایندهای هویت‌یابی، معناجویی، استقلال و حمایت‌های اجتماعی مورد نیاز آن‌ها مشاهده می‌شود (اسمیت، سالوم و هرینگ[2]، ۲۰۲۰). همچنین، در این دوره اکتشاف اهداف آموزشی و شغلی و جستجوی انتخاب‌های گوناگون مربوط به روابط اجتماعی، ارزش‌ها و سبک زندگی بخش مهمی از زندگی دانشجویی را دربرمی‌گیرد (آرنت[3]، ۲۰۰۶). با این حال،

1. Emerging adulthood
2. Smyth , Salloum , & Herring
3. Arnett

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.8.0]

علی‌رغم وجود تجربیات مثبت در درون دانشگاه، برخی از دانشجویان آمادگی‌های لازم برای مواجه شدن با تجربه‌های چالش‌برانگیز را ندارند (گراندمیر[1]، ۲۰۱۲) و گذار به دانشگاه می‌تواند برای آن‌ها، مشکل‌ساز باشد؛ چرا که این دوره، زمانی است که دانشجویان از خانه و خانواده خود جدا می‌شوند، با افراد و فرهنگ‌های ناآشنا تعامل می‌کنند، با بسیاری از انتظارات جدید تحصیلی، بین‌فردی و اجتماعی رو به رو می‌شوند و در ارتباط با دوره ظهور بزرگسالی که در آن قرار دادند، احساس سرگردانی و ابهام می‌کنند (بن، هاروی، گیلبرت و آیرونز[2]، ۲۰۰۵). به‌علاوه، این فرایند محدود به اوایل این دوره نیست و در سراسر زندگی دانشجویی ادامه دارد. بنابراین برای گذراندن موفقیت‌آمیز دوره دانشجویی، سازگاری با دانشگاه اهمیت بسیاری دارد (دمیرتاس[3]، ۲۰۲۰).

سازگاری فرایندی است که در آن افراد سعی می‌کنند تنش‌ها و فشارهای درونی خود را با الزامات بیرونی انطباق دهند (رید-ویکتور[4]، ۲۰۰۴). سازگاری در شرایطی برقرار است که فرد رابطه سالمی با محیط اجتماعی خود (خانواده، محیط تحصیل، محیط‌های شغلی و ...) برقرار کند. بیکر و سیریک[5] (۱۹۸۴) سازگاری با دانشگاه را به عنوان مفهومی چهاربعدی تعریف کردند: تحصیلی، اجتماعی، سازگاری فردی-هیجانی و دلبستگی به مؤسسه. سازگاری تحصیلی همراه با رسیدن به اهداف تحصیلی است و در صورت وجود این نوع از سازگاری، دانشجو از توانایی خود برای انجام تکالیف تحصیلی استفاده می‌کند. مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی که تداوم‌بخش روابط بین‌فردی است به سازگاری اجتماعی و سطح هیجان‌هایی از قبیل اضطراب که تغییرات مربوط به آن به سازگاری فردی-هیجانی اشاره دارد. دلبستگی به مؤسسه، میزان علاقه و تعهد فرد به دانشگاه و دانشگاهیان و نیز میزان لذت از بودن در محیط دانشگاه است. عبدالله، الیاس، محیودین و یولی[6] (۲۰۰۹)، دانشجویان سازگار را افرادی تلقی می‌کنند که روابط اجتماعی دوسویه و صمیمانه‌ای با دیگران برقرار می‌کنند، از سلامت روانشناختی بالایی برخوردارند و با کسب نمرات بالا دروس خود را به خوبی می‌گذرانند و فارغ‌التحصیل می‌شوند.

سازگاری با زندگی دانشگاهی به عنوان یک پیامد مهم تلقی شده است و بنابراین عوامل گسترده‌ای از قبیل خوشبینی (دمیرتاس، ۲۰۲۰)، انگیزش پیشرفت و خودکارآمدی (اقدامی و یوسفی، ۱۳۹۹؛ و الیاس، نورالدین و محی‌الدین[7]، ۲۰۱۰)، سرسختی روان‌شناختی (ساروکو و باکانلی[8]، ۲۰۱۰)، تاب‌آوری (کابا و ککلیک[9]، ۲۰۱۶)، ویژگی‌های شخصیتی و استرس ادراک‌شده (کورال و اوزیورت[10]، ۲۰۲۱)، پریشانی روان‌شناختی و راهبردهای مقابله‌ای (بوخاری و ایجاز[11]، ۲۰۲۰)، اجتناب و سبک‌های هویت (شریفی ریگی، امینی، مهرابی‌زاده هنرمند و بشلیده، ۱۳۹۷) و عوامل جمعیت‌شناختی و عوامل مرتبط با خانواده (ون وایت[12]، ۲۰۲۱)، به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های احتمالی آن مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. علی‌رغم اینکه نقش عوامل مختلف فردی، اجتماعی و جمعیت‌شناختی در تجربه سازگاری دانشجویان با دانشگاه در مطالعات مختلف مورد تأکید قرار گرفته است، با این حال توجه به شرایط بافتی دانشجویان به ویژه در زمانی که به دلیل همه‌گیری کووید-۱۹ در دانشگاه حضور ندارند و مدت زمان بیشتری را در کنار اعضای خانواده سپری می‌کنند، حائز اهمیت فراوانی است. یکی از این عوامل بافتی ادراک دانشجو از شیوه‌های فرزندپروری والدین است.

عوامل مرتبط با فضای خانواده، نقش مهمی در سازگاری با دانشگاه دارد و به عنوان تکمیل‌کننده تجربه دانشگاهی افراد در نظر گرفته می‌شوند (زکی، ۱۳۸۹). والدین به شکل قابل توجهی بهزیستی جوانان در طول گذار به بزرگسالی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (آرنت، ۲۰۰۷). مطالعات زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد شیوه‌های فرزندپروری والدین با پیامدهای تحصیلی ارتباط دارد و به ویژه سازگاری تحصیلی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ابوالقاسمی، ۱۳۹۴؛ احیاءکننده و یوسفی، ۱۳۹۶؛ پارسا، احمدپناه، پارسا و قلعه‌ایها، ۱۳۹۳؛ تنهای رشوانلو، صمدیه، کارشکی، منوچهری و علیزاده، ۱۳۹۸؛ ون وایت، ۲۰۲۱؛ و وینتر و یاف[13]، ۲۰۰۰). ادراکات والدینی[14]، ارزیابی‌ها و

1. Grundmeyer
2. Benn, Harvey, Gilbert, & Irons
3. Demirtaş
4. Reed-Victor
5. Baker and Siryk
6. Abdullah, Elias, Mahyuddin & Uli
7. Elias, Noordin, & Mahyuddin
8. Sürücü, & Bacanlı
9. Kaba, & Keklik
10. Kural, & Özyurt
11. Bukhari, & Ejaz
12. Van Viet
13. Wintre, & Yaffe
14. Parental Perceptions

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.8.0]

مجموعه نگرش‌هایی است که افراد از شیوه‌های فرزندپروری والدین خود دارند. یکی از رویکردهای مطرح شناختی-اجتماعی در خصوص خانواده، خودتعیین‌گری است. خودتعیین‌گری، یکی از نظریه‌هایی است که عوامل فردی و محیطی را در ارتباط با پیامدهای مختلف در حوزه‌های تحصیلی، انگیزشی و سلامت مورد بررسی قرار داده است. در این نظریه، سلامت افراد وابسته به ارضای سه نیاز ذاتی و فراگیر خودمختاری یا انتخاب آزادانه اعمال و خواسته‌ها، شایستگی یا احساس تسلط بر اتفاقات و احساس تعلق یا برقراری روابط با افراد مهم و برخورداری از حمایت آنان قرار دارد. بر اساس این رویکرد، یکی از منابع مهم تأمین‌کننده سلامت افراد، شیوه‌های فرزندپروری والدین است (ریان و دسی[۱]، ۲۰۱۷). مطابق با این رویکرد، شیوه‌های فرزندپروری والدین در چهار بعد درگیری[۲]، ساختار[۳]، حمایت از خودمختاری[۴] و گرمی[۵] قرار می‌گیرد. درگیری اشاره به میزان وقت، توجه، انرژی و حمایت عاطفی اشاره دارد که والدین به فرزندان خود اختصاص می‌دهند. منظور از ساختار، وجود انتظارات شفاف، دستورالعمل‌ها و پیامدهای قابل پیش‌بینی است که به فرزندان کمک می‌کند، رفتارهای خود را بهتر برنامه‌ریزی کنند. حمایت از خودمختاری شامل توجه به دیدگاه‌های فرزندان، حمایت از آغازگری‌ها و فراهم کردن فرصت‌های انتخاب برای آنان است. نشان دادن محبت، علاقه و عشق به فرزندان نیز به بعد گرمی اشاره دارد (گرولنیک، لویت، کاروسو و لرنر[۶]، ۲۰۲۱). بر این اساس به نظر می‌رسد بر اساس رویکرد خودتعیین‌گری والدین با کمک به ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی مانند خودمختاری، شایستگی و نیاز به تعلق، زمینه برخورداری از سطوح بالای سلامت روان‌شناختی را در افراد فراهم می‌کنند (گرولنیک، دسی و ریان[۷]، ۱۹۹۷؛ نقل از ترکمنی، قرائی، شیخانی و تنهای رشوانلو، ۱۳۹۷).

اگرچه پژوهش‌ها وجود ارتباط میان سبک‌های فرزندپروری و سازگاری را مورد تأیید قرار داده‌اند، اما هنوز کمبودهایی در مطالعات پیشین وجود دارد. یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها عدم بررسی کافی این ارتباط در دوره پیش‌بزرگسالی و تأثیر آن بر تجربیات دانشگاهی دانشجویان است. همچنین مطالعات قبلی، عمدتاً بررسی‌های خود را به جای توجه بر پیامدهای مثبت زندگی مانند سازگاری بر مشکلات رفتاری و روان‌شناختی محدود کرده‌اند. به علاوه سازوکارهای ارتباط میان ادراک از سبک‌های فرزندپروری و سازگاری با دانشگاه، کاملاً روشن نیست. به نظر می‌رسد یکی از عواملی که با تحت تأثیر قرار دادن ادراکات دانشجویان از فرزندپروری والدین، میانجی‌گر بروز سازگاری با دانشگاه و در نتیجه آن سلامت روان‌شناختی می‌شود، انعطاف‌پذیری شناختی[۸] باشد (وو، چن و ژن[۹]، ۲۰۲۰).

انعطاف پذیری شناختی یک فرایند پویا و از عوامل مهم در تعاملات اجتماعی است که مسئولیت ایجاد انطباق مثبت فرد با محیط را بر عهده دارد، به گونه‌ای که فرد بتواند علی رغم وجود تجارب مخالف یا آسیب زا، با محرک‌های در حال تغییر محیط سازگار شود (دنیس و وندروال[۱۰]، ۲۰۱۰). انعطاف‌پذیری شناختی به آگاهی از انتخاب‌ها و جایگزین‌ها در هر موقعیتی، تمایل به انطباق با شرایط مختلف و باور به توانایی خود برای تفکر انعطاف‌پذیر هم اشاره دارد (مارتین، آندرسون و ثویت[۱۱]، ۱۹۹۸). افراد با انعطاف‌پذیری شناختی بالا می‌توانند از طریق تنظیم مجدد منابع شناختی خود، تغییر دیدگاه‌ها و ایجاد تعادل میان خواسته‌های متناقض، نیازها و حوزه‌های زندگی با اقتضائات محیطی پرنوسان، سازگار شوند (کاشدان و روتنبرگ[۱۲]، ۲۰۱۰). تمایل برای درک موقعیت‌های مشکل‌زا به عنوان شرایط قابل کنترل، توانایی ارائه تبیین‌های گوناگون برای رویدادهای زندگی و رفتار انسان و توانایی ایجاد راه‌حل‌های جایگزین برای موقعیت‌های دشوار، سه جنبه مهم انعطاف‌پذیری شناختی را تشکیل می‌هند (دنیس و واندروال، ۲۰۱۰). نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری شناختی با سازگاری و تجارب موفقیت‌آمیز دانشگاهی ارتباط دارد (تقی‌زاده و فرمانی، ۱۳۹۲؛ دمیرتاس، ۲۰۲۰؛ و صادقی، ایمنی و باوزین، ۱۳۹۷). بر این اساس می‌توان استنباط کرد که دانشجویانی که انعطاف‌پذیری شناختی دارند و می‌توانند موقعیت‌های مختلف را از جنبه‌های گوناگون ارزیابی کنند، کنجکاوی بیشتری دارند و می‌توانند از لحاظ تحصیلی خود را به روز نگه دارند. همچنین در موقعیت‌های چالش‌انگیز تحصیلی مانند امتحانات، سعی می‌کنند برای رویارویی با این شرایط، بهترین راه‌حل‌ها را در نظر بگیرند. در شرایطی هم که با مشکلات

1. Ryan, & Deci
2. Involvement
3. Structure
4. Autonomy Support
5. Warmth
6. Grolnick, Levitt, Caruso, & Lerner
7. Grolnick, Deci, & Ryan
8. Cognitive flexibility
9. Wu, Chen ,& Jen
10 Dennis & Vander Wal
11. Martin, Anderson, & Thweatt
12. Kashdan & Rottenberg

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.8.0]

زندگی دانشجویی روبرو می‌شوند، تلاش می‌کنند دیدگاه‌های مختلف را در نظر گرفته و قبل از به دست آوردن اطلاعات کافی، اقدام شتابزده‌ای انجام ندهند. در مقابل، افرادی که انعطاف‌پذیری کمتری دارند به سختی می‌توانند یادگیری‌های ابتدایی خود را فراموش کنند، آن‌ها بر یادگیری‌های قبلی خود که با پیامدهای منفی همراه بوده متمرکز می‌شوند و این تمرکز و پافشاری به سازگاری آن‌ها با شرایط جدید آسیب می‌زند (کاربونلا و تیمپانو[1]، ۲۰۱۶). یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم انعطاف‌پذیری شناختی، ادراکات والدینی است.

پژوهشگران نشان داده‌اند که فرزندپروری با انعطاف‌پذیری شناختی ارتباط دارد. ویلیامز، کیاروچی و هیون[2] (۲۰۱۲) دریافتند که فرزندپروری گرم و دموکراتیک (مقتدرانه) با انعطاف‌پذیری شناختی بالاتر مرتبط است. به‌علاوه، روابط همدلانه و عاطفی بین والدین و فرزندان می‌تواند انعطاف‌پذیری شناختی آن‌ها را ارتقا دهد (کوران و آندرسون[3]، ۲۰۱۷). افراد از همان ابتدای کودکی از طریق صحبت کردن و گفتگو با والدین خود، می‌فهمند که دیدگاه‌های مختلفی می‌تواند در دنیا وجود داشته باشد و اینکه می‌توانند بر اساس ایده‌های دیگران، ایده‌های خود را با محیط پیرامون انطباق دهند. این تجربه‌ها به آن‌ها کمک می‌کند از تفکر انعطاف‌پذیرتر و انطباقی‌تری برخوردار باشند که ممکن است به افزایش انطباق و سازگاری در زندگی ایشان کمک کند (وو و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین، رابینوویتز[4] و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه خود دریافتند که اشکال منفی‌تر فرزندپروری (تشویق، حمایت و راهنمایی کمتر) توانایی نوجوانان برای مطرح کردن انعطاف‌پذیر مسائل را ضعیف و استفاده از راهبردهای خودتنظیمی مؤثر را کاهش می‌دهد که در نهایت منجر به عدم سازگاری می‌شود. نتایج پژوهش البرزی، انباری و خوشبخت (۱۳۹۷) نیز نشان داد که بین جو عاطفی خانواده و انعطاف‌پذیری شناختی در دانش‌آموزان، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج این پژوهش، هر چقدر جو عاطفی مطلوب‌تری در خانواده وجود داشته باشد، ویژگی‌هایی چون حل مسأله اجتماعی و انعطاف‌پذیری شناختی نیز در فرزندان بیشتر بروز پیدا می‌کند. در مجموع، به نظر می‌رسد، ترکیبی از عوامل محیطی (خانواده) و عوامل فردی (انعطاف‌پذیری شناختی) نقش عمده‌ای در سازگاری افراد ایفا می‌کنند.

طبق رویکرد شناختی-اجتماعی، عوامل فردی و اجتماعی زیادی، باورها، توانایی‌ها، نگرش‌ها و انگیزه‌های افراد برای بروز یا عدم بروز رفتارها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در دیدگاه شناختی-اجتماعی عملکرد انسان در چارچوب یک مدل تقابلی سه‌جانبه تبیین می‌شود که در آن رفتار، شناخت و دیگر عوامل شخصی و رویدادهای محیطی، همه به عنوان تعیین‌کننده‌های دارای تعامل متقابل، بر یکدیگر عمل می‌کنند (پینتریچ و شانک، ۲۰۰۲). بنابراین با توجه به این رویکرد، به نظر می‌رسد ادراکات دانشجویان از گرمی، حمایت از خودمختاری و درگیری والدین، می‌تواند از طریق ایجاد انعطاف‌پذیری شناختی، سازگاری دانشگاهی آن‌ها در دوره تحصیل را تشکیل دهند.

در نظر گرفتن سه متغیر ادراکات والدینی، انعطاف‌پذیری شناختی و سازگاری با دانشگاه و الگوی ارتباطی میان آن‌ها در گستره آموزش عالی اهمیت قابل توجهی دارد؛ دانشجویان در دوره دانشگاهی و تحصیلی خود، با موضوعات مختلفی روبرو می‌شوند که معمولاً پاسخ درست و از پیش آماده‌شده‌ای برایشان وجود ندارد (چورير، مویس، تراورس، پکران و سیناترا[5]، ۲۰۱۹). به همین دلیل، برخورداری از توانمندی انعطاف‌پذیری شناختی به آن‌ها کمک می‌کند که مسائل مختلف را قبل از هر گونه تصمیم شتابزده، به شکل متناسبی مورد ارزیابی قرار دهند تا در مواجهه با چالش‌های مختلف تحصیلی-اجتماعی عملکرد موفقیت‌آمیز و سازگارانه‌ای داشته باشند.

با توجه به آنچه گذشت، هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی در رابطه میان ادراکات والدینی و سازگاری با دانشگاه است. مدل مفهومی مطالعه در شکل ۱ آورده شده است. در مطالعه حاضر، این فرضیه که ادراکات والدینی با میانجیگری انعطاف‌پذیری شناختی، پیش‌بینی‌کننده معنادار سازگاری دانشجویان با دانشگاه است، مورد آزمون قرار گرفت.

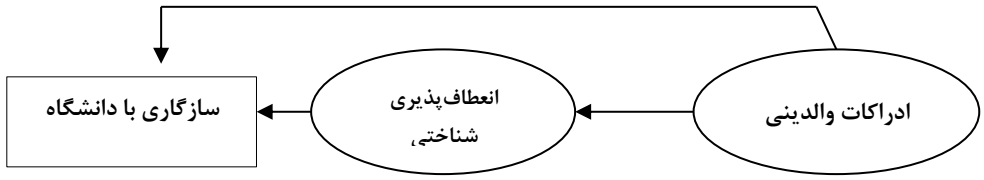

شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

1. Carbonella, Timpano
2. Williams, Ciarrochi, & Heaven
3. Curran, T., & Andersen
4. Rabinowitz
5. Chevrier, Muis, Trevors, Pekrun, & Sinatra

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.8.0]

روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی بوده که در آن روابط میان متغیرهای مدل مفهومی با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری[1]، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. جامعه آماری پژوهش حاضر را دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه بیرجند در نیمسال دوم تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ تشکیل دادند. از این میان، ۲۸۶ نفر (۱۹۰ زن و ۹۶ مرد)، با استفاده از روش نمونه‌گیری آنلاین در دسترس، به عنوان گروه نمونه پژوهش انتخاب شدند. ۲۳۳ نفر (۸۱/۵٪) دانشجویان مجرد و ۵۳ نفر (۱۸/۵٪) متأهل بودند. دامنه سنی شرکت‌کنندگان بین ۱۸ تا ۴۶ سال (با میانگین ۲۱/۲۸ و انحراف معیار ۲/۹۲) بود. در کل نمونه به ترتیب ۲۰ نفر (۷٪) دانشجوی دوره کاردانی، ۲۵۰ نفر (۸۷/۵٪) کارشناسی، ۱۰ نفر (۳/۵٪) کارشناسی ارشد و ۶ نفر (۲٪) دانشجوی دوره دکتری بودند. انتخاب نمونه با روش غیرتصادفی داوطلبانه، به دلیل عدم امکان اجرای کامل نمونه‌گیری تصادفی در زمان همه‌گیری کرونا بود. معیار تصمیم‌گیری در خصوص حجم گروه نمونه، نظر کلاین[2] (۲۰۱۱) بود که حجم نمونه مناسب به منظور آزمون یک مدل ساختاری را ده تا بیست برابر تعداد پارامترهای موجود در مدل در نظر می‌گیرد. علی‌رغم اجرای پژوهش به صورت آنلاین، ملاحظات اخلاقی به ویژه موضوعات اخلاقی مرتبط با پژوهش‌های اینترنتی مد نظر قرار گرفت. از جمله اینکه اطلاعات لازم در خصوص اهداف و هویت پژوهشگر در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت. پژوهشگر در اطلاعیه‌های ارسالی در شبکه‌های اجتماعی، ضمن مشخص کردن اطلاعاتی از قبیل نام و نام خانوادگی و رشته تحصیلی خود، به صورت خلاصه هدف اصلی پژوهش را نیز ذکر می‌کرد.

ابزار سنجش

مقیاس ادراکات والدینی[3] (POPS): این مقیاس در سال ۱۹۹۴ توسط رابینز[4] تدوین شده و ۴۲ گویه دارد (شامل خرده مقیاس‌های درگیری مادر، درگیری پدر، حمایت مادر از خودمختاری، حمایت پدر از خودمختاری، گرمی مادر و گرمی پدر) که ۲۱ گویه آن مربوط به مادر و ۲۱ گویه مربوط به پدر است. نمره‌گذاری این مقیاس در طیف لیکرت هفت درجه‌ای (نمره ۱ برای گزینه «در مورد من اصلاً درست نیست» تا نمره ۷ برای «در مورد من کاملاً درست است») صورت می‌گیرد. در هر فرم (مادر/پدر) سه خرده‌مقیاس درگیری (۶ گویه)، حمایت از خودمختاری (۹ گویه) و گرمی (۶ گویه) به دست می‌آید. دامنه نمرات در خرده‌مقیاس‌های درگیری و گرمی از ۶ تا ۴۲ و برای حمایت از خودمختاری از ۹ تا ۶۳ است. پایایی خرده‌مقیاس‌های حمایت از خودمختاری مادر/پدر به ترتیب در مطالعه اصلی ۰/۸۰ و ۰/۸۳ به دست آمده است (رابینز، ۱۹۹۴؛ نقل از تنهای رشوانلو و طالع‌پسند، ۱۳۹۷). در مطالعه‌ای دیگر، گوگلیاندولو، کاستا، کازوکری، لارکان و مارتینو[5] (۲۰۲۰) ضرایب آلفای ۰/۷۹ تا ۰/۹۶ را برای تمامی خرده‌مقیاس‌ها به دست آوردند. تنهای رشوانلو و طالع‌پسند (۱۳۹۷) نیز در مطالعه خود که با هدف بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس انجام شد، ضرایب آلفای ۰/۵۹ تا ۰/۷۷ را برای شیوه مادر و ۰/۵۹ تا ۰/۷۶ را برای شیوه پدر گزارش کردند. روایی عاملی در هر دو مطالعه اصلی (رابینز، ۱۹۹۴؛ نقل از تنهای رشوانلو و طالع‌پسند، ۱۳۹۷) و مطالعه اعتباریابی (تنهای رشوانلو و طالع‌پسند) مورد تأیید قرار گرفته است. در پژوهش حاضر، پایایی مقیاس با روش آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های فرزندپروری مادر و فرزندپروری پدر (درگیری، گرمی و حمایت از خودمختاری) به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۸۱ به دست آمد.

سیاهه انعطاف‌پذیری شناختی[6] (CFI): این ابزار خودگزارشی کوتاه توسط دنیس و همکاران (۲۰۱۰) طراحی شده و دارای ۲۰ گویه است که در یک طیف هفت درجه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم نمره‌گذاری می‌شود. هدف از ساخت این ابزار، سنجش میزان موفقیت افراد در به چالش کشیدن افکار ناکارآمد و جایگزین کردن آن‌ها با افکار انطباقی‌تر و متعادل‌تر و نیز اندازه‌گیری سه جنبه انعطاف‌پذیری شناختی، شامل میل به درک موقعیت‌های دشوار به عنوان موقعیت‌های قابل کنترل، توانایی ارائه تبیین‌های گوناگون برای رویدادهای زندگی و رفتار انسان‌ها و توانایی ایجاد راه‌حل‌های جایگزین برای موقعیت‌های دشوار بود. این ابزار در حوزه‌های بالینی و غیربالینی و به منظور ارزیابی میزان پیشرفت فرد در ایجاد تفکر انعطاف‌پذیر در درمان شناختی-رفتاری افسردگی و سایر اختلالات روان‌شناختی به کار می‌رود. بالاترین نمره‌ای که فرد در این پرسشنامه می‌تواند اخذ کند، ۱۴۰ و کمترین نمره ۲۰ است. دنیس و همکاران

1. Structural Equation Modeling (SEM)
2. Kline
3. Perceptions of Parents Scale
4. Robbins
5. Gugliandolo, Costa, Cuzzocrea, Larcan, & Martino
6. Cognitive Flexibility Inventory

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.8.0]

(۲۰۱۰)، ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ و ۰/۹۱ را به ترتیب برای دو عامل ادراک گزینه‌های مختلف و عامل ادراک کنترل‌پذیری به دست آوردند. همچنین، روایی همزمان این پرسشنامه با مقیاس افسردگی بک ۰/۳۹- و روایی همگرای آن با مقیاس انعطاف‌پذیری شناختی مارتین و رابین ۰/۷۵ بود. بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی سیاهه انعطاف‌پذیری شناختی در مطالعه کهندانی و ابوالمعالی الحسینی (۱۳۹۶) نیز حاکی از این بود که ضرایب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها و نمره کل در دامنه ۰/۷۸ تا ۰/۸۹ قرار داشت و نتایج تحلیل عاملی تأییدی مطلوب گزارش شد. در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های ادراک کنترل‌پذیری، ادراک گزینه‌های مختلف و ادراک توجیه رفتار به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۸۹ و ۰/۶۲ به دست آمد.

پرسشنامه سازگاری با دانشگاه[1] (SACQ): جهت سنجش سازگاری دانشجویان با دانشگاه، از زیرمقیاس سازگاری تحصیلی از پرسشنامه ۶۷ گویه‌ای بیکر و سیریک (۱۹۸۴) استفاده شد. این زیرمقیاس شامل ۲۴ گویه است که سازگاری تحصیلی دانشجویان را می‌سنجد. نمره‌گذاری این مقیاس بر اساس طیف هفت درجه‌ای لیکرت (از گزینه ۱ «اصلاً در مورد من صدق نمی‌کند» تا گزینه ۷ «کاملاً در مورد من صدق می‌کند») انجام می‌شود. دامنه نمرات این پرسشنامه بین ۲۴ تا ۱۶۸ است. نمرات بالاتر نشان‌دهنده میزان سازگاری تحصیلی بیشتر در افراد است و نمرات پایین‌تر، دشواری بیشتر در سازگاری تحصیلی را نشان می‌دهد. نمره‌گذاری گویه‌های منفی به صورت معکوس است. ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس سازگاری تحصیلی در شش گروه نمونه متفاوت در دامنه ۰/۸۲ تا ۰/۸۷ قرار داشت (بیکر و سیریک، ۱۹۸۴). در مطالعه رینتیس و تمپلار[2] (۲۰۱۳؛ نقل از احیاءکننده و همکاران، ۱۳۹۶)، ضریب آلفای کرونباخ برای سازگاری تحصیلی ۰/۸۲ گزارش شده است. در پژوهش احیاءکننده و همکاران (۱۳۹۶) ضریب آلفای کرونباخ برای سازگاری تحصیلی ۰/۷۱ و در مطالعه خنجرخانی و عباسی (۱۳۹۶) ۰/۸۸ به دست آمد. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۷۰ به دست آمد.

یافته‌ها

در ابتدا به منظور ارائه تصویری روشن‌تر از متغیرهای پژوهش، شاخص‌های توصیفی از جمله میانگین و انحراف استاندارد به همراه ضریب همبستگی میان متغیرها، در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی متغیرهای مشاهده شده پژوهش حاضر

متغیرها	M	SD	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)
۱) فرزندپروری مادر	۵۷/۵۱	۱۱/۶۴	۱					
۲) فرزندپروری پدر	۷۱/۴۷	۱۰/۸۵	۰/۴۱**	۱				
۳) کنترل‌پذیری	۳۶/۲۷	۹/۲۷	۰/۲۲**	۰/۲۷**	۱			
۴) ادراک گزینه‌های مختلف	۵۰/۲۲	۹/۹۷	۰/۲۹**	۰/۲۸**	۰/۳۵**	۱		
۵) ادراک توجیه رفتار	۸/۷۳	۲/۷۴	۰/۱۴*	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۵۴**	۱	
۶) سازگاری تحصیلی	۱۰۸/۷۱	۲۳/۱۶	۰/۲۴**	۰/۲۵**	۰/۳۷**	۰/۳۸**	۰/۱۰	۱

**P<0/01, *P<0/05

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، روابط میان شیوه‌های فرزندپروری مادر و پدر با کنترل‌پذیری، ادراک گزینه‌های مختلف و سازگاری تحصیلی مثبت و معنادار است. از میان خرده‌مقیاس‌های انعطاف‌پذیری شناختی نیز، روابط میان خرده‌مقیاس‌های کنترل‌پذیری و ادراک گزینه‌های مختلف با سازگاری تحصیلی مثبت و معنادار است.

قبل از استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، به منظور اطمینان از برقراری مفروضه‌های اساسی، داده‌ها از نظر وضعیت داده‌های گم‌شده، داده‌های پرت، نرمال بودن و هم‌خطی چندگانه مورد بررسی قرار گرفت. بررسی شاخص‌های کجی و کشیدگی نشان داد که مقادیر کجی و کشیدگی تمام متغیرهای مشاهده شده کمتر از یک هستند و بنابراین فرض نرمال بودن تک متغیره داده‌ها برقرار است

1. Student Adaptation to College Questionnaire
2. Rienties & Tempelaar

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.8.0]

(میرز، گامست و گارینو، ۲۰۰۶). با استفاده از ضریب ماردیا در نرم‌افزار ایموس، نرمال بودن چندمتغیره مورد آزمون قرار گرفت که این ضریب نیز نرمال بودن چندمتغیره را تأیید کرد. با هدف تعیین وضعیت هم‌خطی چندگانه متغیرهای پیش‌بین، آماره‌های تحمل[1] و عامل تورم واریانس[2] مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که ارزش‌های تحمل برای تمامی متغیرها، بیشتر از ۰/۱۰ (بین ۰/۵۷ تا ۰/۸۲) و مقدار عامل تورم واریانس به دست آمده برای متغیرها، همگی کوچکتر از ۱۰ (بین ۱/۲۱ تا ۱/۷۵) بودند که عدم هم‌خطی چندگانه میان متغیرها را نشان می‌دهد.

در ادامه شاخص‌های برازش مدل، مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است. همان‌گونه که قابل ملاحظه است بر اساس مقادیر به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که مدل مفروض، برازش تقریباً مناسبی با داده‌ها دارد.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل

X^2	df	X^2/df	CFI	GFI	AGFI	RMSEA
۲۲	۸	۲/۷۵	۰/۸۹	۰/۹۴	۰/۹۲	۰/۰۷

اولین نکته که درباره تفسیر مقدار کای اسکوئر می‌توان اظهار کرد، این است که هر چه مقدار آن کوچکتر باشد، برازش داده‌ها به مدل بهتر است. برخی صاحب‌نظران مقادیر کمتر از ۵ را برای این شاخص قابل قبول دانسته‌اند (کلاین، ۲۰۱۱). شاخص دیگر، شاخص برازش تطبیقی (CFI) است. شاخص‌های برازش تطبیقی نشان‌دهنده موقعیت نسبی مدل بین بدترین برازش (صفر) و بهترین برازش (یک) هستند. آستانه پذیرش این شاخص، مقادیر بالای ۰/۹۰ است. طبق قاعده GFI باید بزرگ‌تر یا مساوی با ۰/۹۰ باشد تا بتواند قابل قبول بودن مدل را نشان دهد. مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ برای شاخص‌های نیکویی برازش (GFI) و نیکویی برازش تعدیل‌شده (AGFI) و مقادیر کمتر از ۰/۰۸ برای شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) مطلوب در نظر گرفته شده است (کلاین، ۲۰۱۱). جدول ۳، ضرایب استاندارد محاسبه شده برای اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل را نشان می‌دهد. در شکل ۲ نیز نتایج تحلیل مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری آمده است.

جدول ۳. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل در مدل معادله ساختاری پژوهش حاضر

مسیرها		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
به انعطاف‌پذیری شناختی از:	ادراکات والدینی	۰/۴۶**	---	۰/۴۶**	٪ ۲۱
به سازگاری با دانشگاه از:	ادراکات والدینی	---	۰/۱۸*	۰/۱۸*	٪ ۱۵
	انعطاف‌پذیری شناختی	۰/۳۹**	---	۰/۳۹**	

* P<۰/۰۱ ** P<۰/۰۰۱

1. tolerance
2. Variance Inflation Factor (VIF)

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.8.0]

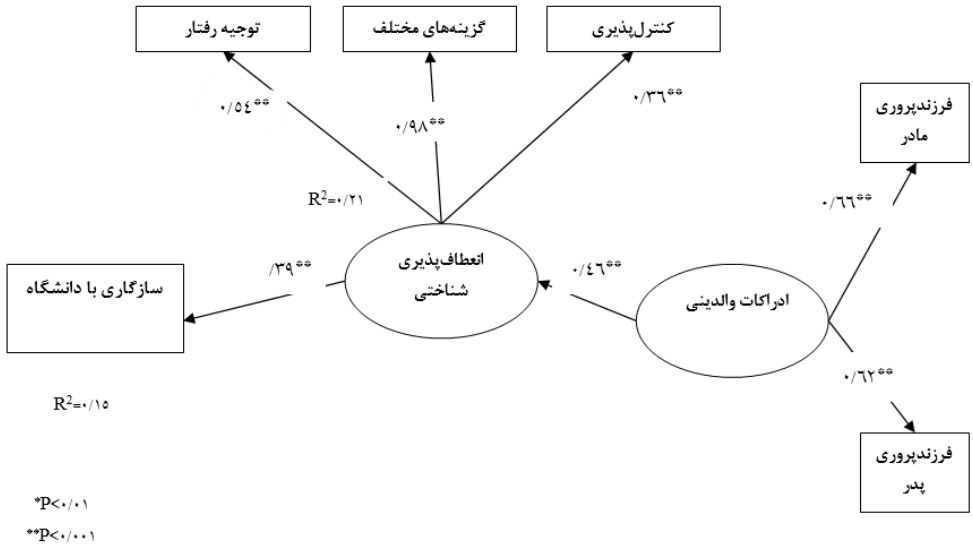

شکل ۲. ضرایب رگرسیون استاندارد شده در مدل

نتایج تحلیل مدل‌های اندازه‌گیری مربوط به متغیرهای نهفته در شکل ۲، معنی‌داری ضرایب رگرسیون هر دو مدل را نشان داد که به معرف بودن همه شاخص‌ها برای متغیرهای نهفته مربوطه اشاره دارد. همان‌طور که از شکل ۲ مشخص است، شاخص ادراک از فرزندپروری مادر سهم نسبتاً بیشتری در تعریف این متغیر نهفته دارد. از میان شاخص‌های متغیر نهفته انعطاف‌پذیری شناختی نیز، ادراک از گزینه‌های مختلف وزن بیشتری را در تعریف این متغیر نهفته دارد و به عبارت دیگر قوی‌ترین شاخص آن است. نتایج تحلیل مدل ساختاری، یعنی اثر مستقیم متغیرهای نهفته موجود در مدل و برآورد اثر غیرمستقیم، با استفاده از بوت‌استراپ (با فاصله اطمینان ۹۵ درصد)، حاکی از آن است که ادراکات والدینی اثری مستقیم بر انعطاف‌پذیری شناختی دانشجویان دارند (β=۰/۴۶، P<۰/۰۰۱) و ۲۱ درصد واریانس آن را تبیین می‌کنند. همچنین ادراکات والدینی، با میانجی‌گری انعطاف‌پذیری شناختی، اثری غیرمستقیم و معنی‌دار بر سازگاری دانشجویان با دانشگاه دارد (β=۰/۱۸، P<۰/۰۱). انعطاف‌پذیری شناختی دانشجویان نیز اثری مثبت و معنی‌دار بر سازگاری با دانشگاه دارد (β=۰/۳۹، P<۰/۰۱).

در جدول ۳ کلیه اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل در مدل ساختاری ذکر شده است. در مجموع، با توجه به نتایج تحلیل‌های انجام‌شده می‌توان گفت که انعطاف‌پذیری شناختی دانشجویان نقش واسطه‌ای در رابطه میان ادراکات والدینی و سازگاری با دانشگاه ایفا می‌کند و این مدل توانسته است با دو متغیر ادراکات والدینی و انعطاف‌پذیری شناختی دانشجویان، ۱۵ درصد از واریانس سازگاری با دانشگاه را تبیین کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین سازوکار میانجی‌گرایانه انعطاف‌پذیری شناختی در ارتباط میان ادراکات والدینی با سازگاری دانشجویان با دانشگاه انجام شد. نتایج تحلیل، برازندگی مدل پیشنهادی با داده‌های جمع‌آوری شده را تأیید نمود. در مجموع، ۱۵ درصد از واریانس سازگاری با دانشگاه توسط متغیرهای مدل پیشنهادی، تبیین شدند.

در مدل ساختاری یافته‌ها بیانگر این بود که ادراکات والدینی اثر غیرمستقیم معنی‌داری بر سازگاری دانشجویان با دانشگاه دارند. در خصوص ارتباط ادراکات والدینی با سازگاری، این یافته با نتایج پژوهش‌های ابوالقاسمی (۱۳۹۴)، احیاءکننده و یوسفی (۱۳۹۶)، پارسا و همکاران (۱۳۹۳) و ون وایت (۲۰۲۱) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که حمایت خانواده به عنوان یک نظام بالقوه منسجم تأثیر مثبتی بر تسهیل گذار و سازگاری دانشجویان دارد. به تعبیری دیگر، در خانواده‌هایی با والدین حمایت‌کننده که زمان و توجه کافی

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.8.0]

را به فرزندان خود و وضعیت تحصیلی‌شان اختصاص می‌دهند و پیام اهمیت رشد تحصیلی و اجتماعی را به فرزند دانشجوی خود منتقل می‌کنند، احتمال موفقیت و سازگاری تحصیلی نیز بیشتر است نکته مهم دیگر، این است که معمولاً الگوی ارتباطی چنین خانواده‌هایی متمرکز بر گفت و شنود است. در خانواده‌هایی با الگوی ارتباطی گفت و شنود، هر کدام از اعضای خانواده، تجربیات، باورها و احساسات خود را راحت‌تر با یکدیگر در میان می‌گذارند و با تبادلات فکری، تصمیم مشترکی در خصوص امورات مربوط به خانواده اتخاذ می‌کنند (لاو و توماس[1]، ۲۰۱۴). بنابراین می‌توان گفت، افرادی که در این خانواده‌ها زندگی می‌کنند و خود را عضوی ارزشمند و پذیرفته شده از سیستم خانواده می‌دانند، به شکل بهتری نیز می‌توانند چالش‌های بیرون از خانواده از جمله موضوعات دانشگاهی را مدیریت کرده و با شرایط به صورت انطباقی‌تر و سازگارانه‌تری رو به رو شوند.

یافته‌ها همسو با مبانی نظری رویکرد خودتعیین‌گری (ریان و دسی، ۲۰۱۷) نشان داد که ادراکات والدینی تأثیر مثبتی بر انعطاف‌پذیری شناختی دانشجویان دارد. به عبارت دیگر، توجه به دیدگاه‌های فرزندان، حمایت عاطفی و ابراز عشق و علاقه در خانواده، منجر به تفکر انعطاف‌پذیر و انطباق با شرایط مختلف می‌شود. این یافته با پژوهش‌های البرزی و همکاران (۱۳۹۷)، رابینوویتز و همکاران (۲۰۱۶)، کوران و آندرسون (۲۰۱۷) و ویلیامز و همکاران (۲۰۱۲) همسویی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت والدینی که روابط محبت‌آمیز و گرمی با فرزندان خود دارند و به نظرات و تفکرات آن‌ها اهمیت می‌دهند، می‌توانند انعطاف‌پذیری شناختی لازم برای حل مسائل و چالش‌های مختلف را به آن‌ها ارائه دهند (کوران و آندرسون، ۲۰۱۷). مطابق با مفروضه‌های اساسی رویکرد خودتعیین‌گری (ریان و دسی، ۲۰۱۷) در خانواده‌هایی که روابط گرم و صمیمانه میان اعضای آن وجود دارد، دیدگاه‌های تمام اعضا ارزشمند شمرده می‌شود و به فرزندان حق انتخاب و فرصت انتخاب داده می‌شود، زمینه رشد فردی و جمعی و سلامت روان‌شناختی بیشتر فراهم می‌شود. در چنین بستری، نقش‌ها، قوانین و سلسله مراتب افراد نیز از انعطاف‌پذیری مطلوبی برخوردار است. بنابراین هنگام مواجه شدن با موضوعات و چالش‌های مختلف، در گسترده زیادی از مسائل میان اعضای چنین خانواده‌هایی گفت‌وگو صورت می‌پذیرد و همه با درنظر گرفتن دیدگاه‌های مختلف سعی در حل مسائل خواهند داشت. به تدریج و همزمان با ارضا شدن نیازهایی از قبیل خودمختاری، فرزندان یاد می‌گیرند که می‌توانند به صورت مستقلانه‌ای مسائل را حل کنند و در برابر چالش‌های گوناگون، از خود انعطاف نشان دهند؛ در نتیجه از حس استقلال، خودکارآمدی، عزت‌نفس و قدرت انطباق و جایگزینی و به دنبال آن انعطاف‌پذیری شناختی مناسبی برخوردار می‌شوند (البرزی و همکاران، ۱۳۹۷).

یافته مهم و اصلی پژوهش حاضر این بود که اثر مستقیم ادراکات والدینی و سازگاری با دانشگاه معنی‌دار نبود و ادراکات از فرزندپروری والدین از طریق انعطاف‌پذیری شناختی بر سازگاری دانشجویان با دانشگاه تأثیر گذاشتند. به این معنا که این ادراکات از طریق شکل‌دهی و تقویت تفکر انعطاف‌پذیر و توانمندی ارزیابی‌های چندگانه حاصل از آن است که منجر به سازگاری دانشجویان با دانشگاه می‌شوند. وو و همکاران (۲۰۲۰) این موضوع را مطرح می‌کنند که اگرچه میان ادراک از شیوه‌های فرزندپروری و سلامت افراد در بزرگسالی روابط و پیوندهایی وجود دارد اما چگونگی این ارتباط روشن نیست و لازم است نقش عوامل فردی و شناختی مهمی مانند انعطاف‌پذیری شناختی نیز به عنوان متغیری میانجی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. آن نوع از فرزندپروری که بر خوداتکایی، خودمختاری و ارتباط مؤثر با فرزندان همراه با درجات بالایی از گرمی و پاسخگو بودن تأکید می‌کند، زمینه گشودگی فرزندان خود به مسائل مختلف و نیز پذیرش دیدگاه‌های متفاوت و گاهی متضاد را فراهم کرده و از این مسیر است که امکان سازگاری بیشتر دانشجویان با اقتضائات تحصیلی و اجتماعی در دانشگاه فراهم می‌شود. پژوهش‌ها منطبق با رویکرد خودتعیین‌گری، قویاً نشان می‌دهند که در فرهنگ‌های مختلف، حمایت از خودمختاری یکی از پیش‌شرط‌های اصلی ایجاد دلبستگی ایمن در فرزندان است. والدین حمایت‌کننده از خودمختاری با پرورش ظرفیت‌های فرزندان، توجه فعالانه به دیدگاه‌های آنان، ارائه حمایت‌های گوناگون، تشویق آغازگری و ابراز وجود، زمینه خودتنظیمی و تفکر واگرا را در اعضای خانواده فراهم می‌کنند (ریان، دسی، گرولنیک و لاگواردیا[2]، ۲۰۱۵). در نتیجه این نوع از تفکر انعطاف‌پذیر می‌تواند قدرت انطباق و سازگاری با شرایط دشوار را نیز در فرزندان بیشتر کند. اخیراً یک فراتحلیل از ۳۶ مطالعه با موضوع فرزندپروری نشان داد که زمانی که والدین بیشتر حامی خودمختاری باشند، فرزندان آن‌ها در محیط تحصیل، خودانگیخته‌تر هستند، درگیری بیشتری در تکالیف تحصیلی دارند و از سلامت روان‌شناختی و سازگاری بالاتری برخوردارند (واسکوئز، پاتال، فانگ، کاریگان و پاین[3]، ۲۰۱۵). درگیری والدین که با احساس رضایت فرزندان از ارضای دو نیاز شایستگی و ارتباط، همراه است. این درگیری به درک و شناخت بیشتر والدین از فرزندان منجر

1. Love, & Thomas
2. La Guardia
3. Vasquez, Patall, Fong, Corrigan, & Pine

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.8.0]

می‌شود. فرزندان، همچنین به واسطه ابراز علاقه، عشق و محبتی که از والدین خود دریافت می‌کنند، این ظرفیت را دارند که نسبت به رویارویی با چالش‌های گوناگون خوشبین بوده و از حداکثر قابلیت‌های شناختی برای مواجهه با مسائل استفاده کنند که این نیز به نوبه خود سازگاری بیشتر آن‌ها را به همراه دارد (ریان و دسی، ۲۰۱۷).

پژوهش حاضر با وجود گسترش مبانی نظری و رفع برخی کمبودهای اساسی در مطالعات گذشته، به خصوص در ارتباط با اهمیت سازگاری تحصیلی دانشجویان و نیز در نظر گرفتن همزمان عوامل فردی (انعطاف‌پذیری شناختی) و محیطی (شیوه‌های فرزندپروری) که در مطالعات مختلف کمتر مورد توجه قرار گرفته است، محدودیت‌هایی نیز دارد. نخست این‌که، طرح مطالعه فعلی از نوع همبستگی است و در استنباط‌های علی از نتایج بایستی احتیاط کرد. دوم این‌که مشارکت‌کنندگان این پژوهش، دانشجویان هستند. بنابراین در تعمیم یافته‌ها به سایر گروه‌های سنی باید احتیاط کرد. سوم اینکه در مطالعه حاضر، تنها بعد سازگاری تحصیلی دانشجویان مورد مطالعه قرار گرفت. از این رو پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، به بررسی سایر ابعاد سازگاری دانشجویان با دانشگاه نیز پرداخته شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده، نقش تفاوت‌های جنسیتی در دو گروه والدین و دانشجویان و اثرات شناختی-هیجانی آن مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

منابع

ابوالقاسمی، ش. (۱۳۹۴). رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده و هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان پسر. *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، ۴ (۲)، ۲۶-۱۷.

احیاءکننده، م.، و یوسفی، ف. (۱۳۹۶). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و سازگاری با دانشگاه: نقش واسطه‌ای راهبردهای مقابله با استرس. *فصلنامه خانواده‌پژوهشی*، ۱۳ (۲)، ۲۹۱-۲۷۳.

اقدامی، ز.، و یوسفی، ف. (۱۳۹۹). نقش واسطه‌ای باورهای خودکارآمدی در رابطه ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و ادراک از کیفیت فضای دانشگاه با سازگاری دانشجویان با دانشگاه. *پژوهش‌های برنامه درسی*، ۱۰ (۱)، ۶۰-۳۴.

البرزی، م.، انباری، ع.، خوشبخت، ف. (۱۳۹۷). بررسی نقش مهارت‌های اجتماعی و جو خانواده در حل مسأله اجتماعی: نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۵ (۳۱)، ۳۴-۱.

پارسا، ن.، احمدپناه، م.، پارسا، پ.، و قلعه‌ایها، ع. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط روابط عاطفی بین والدین و فرزندان با سازگاری تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، ۲۲، ۹۰-۸۳.

پینتریچ، پ.، و شانک، د. (۲۰۰۲). *انگیزش در تعلیم و تربیت (نظریه‌ها، تحقیقات و کاربردها)*. ترجمه م. شهرآرای. تهران: علم (۱۳۹۴).

تقی‌زاده، ا.، و فرمانی، ا. (۱۳۹۲). بررسی نقش انعطاف‌پذیری شناختی در پیش‌بینی نومیدی و تاب‌آوری در دانشجویان. *فصلنامه روان‌شناسی شناختی*، ۱ (۲)، ۶۷-۷۵.

تنهای رشوانلو، ف.، صمدیه، ه.، کارشکی، ح.، منوچهری، م.، و علیزاده، م. (۱۳۹۸). روابط ساختاری ادراکات والدینی، نیازهای بنیادین روانی و فرسودگی تحصیلی در دانشجویان علوم پزشکی. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۱۹ (۵۹)، ۵۵۳-۵۴۲.

تنهای رشوانلو، ف.، و طالع‌پسند، س. (۱۳۹۷). ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ادراکات والدینی در دانش‌آموزان دبیرستانی. *رویش روان‌شناسی*، ۷ (۹)، ۲۹۰-۲۶۵.

خنجرخانی، م.، و عباسی، م. (۱۳۹۶). بررسی نقش تعدیل‌گری ذهن‌آگاهی در رابطه بین استرس و سازگاری تحصیلی دانشجویان. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۴ (۲۸)، ۱۰۴-۸۳.

زکی، م. (۱۳۸۹). سازگاری جوانان با دانشگاه و رابطه آن با حمایت اجتماعی: بررسی مورد دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان. دو فصلنامه پژوهش جوانان، *فرهنگ و جامعه*، ۳ (۴)، ۱۳۰-۱۰۷.

شریفی ریگی، ع.، امینی، ز.، مهرابی‌زاده هنرمند، م.، بشلیده، ک. (۱۳۹۷). نقش اجتناب شناختی-رفتاری و سبک هویت اجتنابی آشفته در پیش‌بینی سازگاری با دانشگاه با کنترل انعطاف‌پذیری شناختی. *نشریه اصول بهداشت روانی*، ۲۰ (۸۶)، ۳۳۱-۳۲۵.

صادقی، م.، ایمنی، ف.، و باوزین، ف. (۱۳۹۷). رضایت از زندگی دانشجویان: پیش‌بینی بر اساس دینداری، معنا در زندگی و انعطاف‌پذیری شناختی. *فصلنامه مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان*، ۱۶ (۴)، ۲۲۲-۱۹۵.

کهندانی، م.، و ابوالمعالی الحسینی، خ. (۱۳۹۶). ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه انعطاف‌پذیری شناختی دنیس، وندروال و جیلون. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۸ (۳)، ۷۰-۵۳.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.8.0]

میرز، ل.، گامست، گ. و گارینو، ا. (۱۳۹۱). *پژوهش چندمتغیری کاربردی*. مترجمان: ح. حسن‌آبادی، ح. پ. شریفی، و. فرزاد، س. رضاخانی، ی. ایزانلو و م. حبیبی. تهران: انتشارات رشد (۲۰۰۶).

Arnett, J. J. (2006). *The psychology of emerging adulthood: What is known, and what remains to be known?* In J. J. Arnett, & J. L. Tanner (Eds.), Emerging adults in America: Coming of age in the 21st century (pp. 303–330). Washington, DC: American Psychological Association.

Arnett, J. J. (2007). Emerging adulthood: What is it, and what is it good for? *Child Development Perspectives, 1*(2), 68–73.

Baker, R. W., & Siryk, B. (1984). Measuring adjustment to college. *Journal of counseling psychology, 31*(2), 179-189.

Baker, R. W., & Siryk, B. (1989). *Student adaptation to college questionnaire: Manual*. Western Psychological Services.

Bukhari, S. R., & Ejaz, T. (2020). Relationship between Psychological Distress, Coping Strategies and Adjustment to University Life among University Freshmen. *Pakistan Journal of Medical Research, 59*(2), 66-69.

Carbonella, J. Y., & Timpano, K. R. (2016). Examining the link between hoarding symptoms and cognitive flexibility deficits. *Behavior therapy, 47*(2), 262-273.

Chevrier, M., Muis, K. R., Trevors, G. J., Pekrun, R., & Sinatra, G. M. (2019). Exploring the antecedents and consequences of epistemic emotions. *Learning and Instruction,* 63, 1-18.

Curran, T., & Andersen, K. K. (2017). Intergenerational patterns of cognitive flexibility through expressions of maternal care. *Personality and Individual Differences, 108*, 32-34.

Demirtaş, A. S. (2020). Optimism and happiness in undergraduate students: Cognitive flexibility and adjustment to university life as mediators. *Anales de Psicología/Annals of Psychology, 36*(2), 320-329.

Dennis, J. P., & Vander Wal, J. S. (2010). The cognitive flexibility inventory: Instrument development and estimates of reliability and validity. *Cognitive therapy and research, 34*(3), 241-253.

Elias, H., Noordin, N. & Mahyuddin, R. H. (2010). Achievement motiva-tion and self-efficacy in relation to adjustment among university stu-dents. *Journal of Social Sciences, 6*(3), 333-339.

Gugliandolo, M. C., Costa, S., Cuzzocrea, F., Larcan, R., & Martino, G. (2020). Adolescents and Body Uneasiness: the Contribution of Supportive Parenting and Trait Emotional Intelligence. *Journal of Child and Family Studies, 29*(9), 2453-2462.

Grolnick, W., Deci, E. L., & Ryan, R. (1997) Internalization within the family: The self–determination theory. In Gruse, J. E. & Kaczynski, L. *Parenting and children s internalization of values: A handbook of contemporary theory* (PP. 135 - 161). New York: Willey Press.

Grolnick, W. S., Levitt, M. R., Caruso, A. J., & Lerner, R. E. (2021). Effectiveness of a Brief Preventive Parenting Intervention Based in Self-Determination Theory. *Journal of Child and Family Studies*, 1-16.

Grundmeyer, T. A. (2012). A qualitative study of the perceptions of first year college students regarding technology and college readiness. *Ph.D. Dissertation in Educational Studies*, Lowa State Univesity.

Kaba, İ., & Keklik, İ. (2016). Students adaptation to university life, resilience and psychological symptoms. *Hacettepe University Graduate School of Edu-cational Sciences The Journal of Educational Research, 2*(2), 98-113.

Kashdan, T. B., & Rottenberg, J. (2010). Psychological flexibility as a fundamental aspect of health. *Clinical Psychology Review, 30*(7), 865–878.

Kline, R. B. (2011). *Convergence of structural equation modeling and multilevel modeling*.

Kural, A. I., & Özyurt, B. (2021). Why Some Students Adjust Easily While Others Can Not? Stress and Adjustment to University: Personality as Moderator. *Journal of College Student Retention: Research, Theory & Practice*,

Love, K. M., & Thomas, D. M. (2014). Parenting styles and adjustment outcomes among college students. *Journal of College Student Development, 55*(2), 139-150.

Martin, M. M., Anderson, C. M., & Thweatt, K. S. (1998). Aggressive communication traits and their relationships with the cognitive flexibility scale and the communication flexibility scale. *Journal of Social Behavior & Personality, 13*(3), 531–540.

Rabinowitz, J. A., Drabick, D. A., Reynolds, M. D., Clark, D. B., & Olino, T. M. (2016). Child temperamental flexibility moderates the relation between positive parenting and adolescent adjustment. *Journal of Applied Developmental Psychology, 100*(43), 43-53.

Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2017). *Self-determination theory: Basic psychological needs in motivation, development, and wellness.* Guilford Publications.

Ryan, R. M., Deci, E. L., Grolnick, W. S., & La Guardia, J. G. (2015). The Significance of Autonomy and Autonomy Support in Psychological Development and Psychopathology. *Developmental Psychopathology: Volume One: Theory and Method*, 795-849.

Smyth, K., Salloum, A., & Herring, J. (2020). Interpersonal functioning, support, and change in early-onset bipolar disorder: a transcendental phenomenological study of emerging adults. *Journal of Mental Health, 29*(1), 1-8.

Sürücü, M., & Bacanlı, F. (2010). An examination of university adjustment according to psychological hardiness and demographic variables. *Gazi University Journal of Gazi Educational Faculty, 30*(2), 375-396.

Van Viet, V. (2021). Student's adjustment to university and its relation to gender, residence and family factors. *Kasetsart Journal of Social Sciences, 42*(1), 81-88.

Vasquez, A. C., Patall, E. A., Fong, C. J., Corrigan, A. S., & Pine, L. (2016). Parent autonomy support, academic achievement, and psychosocial functioning: A meta-analysis of research. *Educational Psychology Review, 28*(3), 605-644

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.8.0]

Williams, K. E., Ciarrochi, J., & Heaven, P. C. (2012). Inflexible parents, inflexible kids: A 6-year longitudinal study of parenting style and the development of psychological flexibility in adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*, *41*(8), 1053–1066.

Wintre, M. G., & Yaffe, M. (2000). First-year students' adjustment to university life as a function of relationships with parents. *Journal of adolescent research*, *15*(1), 9-37.

Wu, C. W., Chen, W. W., & Jen, C. H. (2020). Emotional intelligence and cognitive flexibility in the relationship between parenting and subjective well-being. *Journal of Adult Development*, *27*(2), 1-10.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.8.0]